



آخوند خراسانی، موافق با چه تفسیری از «ولایت فقیه»؟

ملا محمد کاظم خراسانی، مشهور به آخوند خراسانی به جهت دیدگاهش پیرامون نظریه «ولایت فقیه» برای محققان مورد اهمیت بوده است.

ملا محمد کاظم خراسانی، مشهور به آخوند خراسانی به جهت دیدگاهش پیرامون نظریه «ولایت فقیه» برای محققان مورد اهمیت بوده است. او در کتاب «حاشیه مکاسب» خود صراحتاً دیدگاه ولایت فقیه را می‌پذیرد اما بحث از تفسیر «نظریه ولایت فقیه» ای است که آخوند از آن سخن گفته است.

ملا محمد کاظم خراسانی، مشهور به آخوند خراسانی و صاحب کفایه، متولد ۱۲۵۵ قمری برابر ۱۲۱۸ شمسی و درگذشت ۲۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ قمری، برابر با ۱۲۹۰ ش است. او بعد از میرزای شیرازی، به عنوان مرجع بزرگ شیعیان شناخته شد. مرحوم آخوند خود شاگردی شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی را کرده بود و مراجع بزرگ شیعه و عالمان برجسته سیاسی پس از وی، چه با واسطه و چه بدون واسطه، همه از شاگردان وی بوده‌اند، کسانی چون سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله شاه‌آبادی، سید محسن امین، میرزای نائینی، سید حسن مدرس و... . بزرگی او در بحث‌های تخصصی اصول فقه نیز مطرح است، کتاب «کفایة الاصول» وی را از بهترین کتب اصولی فقه شیعه می‌دانند و امروزه نیز طلابی که به دنبال رسیدن به اجتهاد هستند، این کتاب را می‌خوانند.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه ایسنا، آخوند خراسانی در دوران مشروطه از عالمان فعال بود و هر چند در نجف حضور داشت، اما اوضاع و تحولات ایران را پیگیر بود. حکم تکفیر و افسادی که برای بعضی از شخصیت‌های آن دوران، چون سید حسن تقی‌زاده، شیخ فضل‌الله نوری و یا علی اصغر خان اتابک صدر اعظم، صادر کرد، در کنار اعلانی‌ها و بیانی‌های وی، همه حکایت از حضور پر رنگ او در عرصه مشروطیت دارد. وی حتی وقتی، خبر حضور نیروهای روس در ایران را شنید، حکم جهاد داد و خود برای مبارزه با نیروهای روس تصمیم به برگشت به ایران گرفت. اما در همان روزها بود که ناگهان از دنیا رفت تا برخی مرگ او را در آستانه سفرش به ایران، مشکوک بدانند.

مرحوم آخوند خراسانی، تنها در حوزه علمی و دوران مشروطیت اهمیت ندارد، بحثی دیگر که چه در زمان خودش، و چه پس از وی مطرح شد و تا امروزه همواره برای محققان مورد اهمیت بوده، دیدگاهش پیرامون نظریه «ولایت فقیه» بوده است. او در کتاب «حاشیه مکاسب» خود صراحتاً دیدگاه ولایت فقیه را می‌پذیرد. اما این همه ماجرا نیست. دعوا و بحث از تفسیر «نظریه ولایت فقیه» ای است که آخوند از آن سخن گفته است. برخی استدلال می‌کنند که منظور آن مرحوم، ولایت فقیهان نه در امور سیاسی و حاکمیت بلکه ولایت بر امور شرعی و یا برخی امور قضایی است. از طرفی، برخی دیگر این حرف را نمی‌پذیرند و بر این باورند که منظور از ولایت فقیه مورد نظر مرحوم آخوند، همان وجود فقیهان به عنوان حاکمان دینی در جامعه است. این دو گروه استدلال‌های خود را مطرح می‌کنند.

اکبر ثبوت، متولد ۱۳۲۶ ش که خود از بستگان مرحوم آقا بزرگ تهرانی، شاگرد آخوند خراسانی است، در اوایل دهه ۸۰ شمسی، با چاپ گزارشی مدعی شد که وی در دیدارهایی که با مرحوم آقابزرگ تهرانی داشته، نظراتی از مرحوم آخوند خراسانی را در ارتباط با حاکمیت فقیهان بر جامعه، از او نوشته و ثبت کرده است. گزارش اکبر ثبوت مورد توجه قرار گرفت و وی در سال‌های بعد در کتابی مفصل با نام «دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش» آن گزارش را به طور کامل‌تری بسط داد، هر چند کتابش تاکنون نتوانسته اجازه انتشار بگیرد. یکی از موارد مهم و حساس در کتاب ثبوت، گفت‌وگویی است که بین مرحوم نائینی و آخوند خراسانی صورت گرفته است، گفت‌وگویی که بنا بر آن‌چه در کتاب ثبوت آمده به صراحت دیدگاه مخالف مرحوم آخوند را درباره ضررهای حاکمیت شرعی و حاکمیت فقیهان و علما و ... مطرح می‌کند. اکبر ثبوت، مدعی است که این گفت‌وگو را از آقا بزرگ تهرانی شنیده است.

به گزارش ایسنا، ثبوت معتقد است که مرحوم آخوند خراسانی، بر حاکمیت علما و فقیهان در جامعه باور نداشته و حکومت را از آن مدبران و آگاهان به این امر می‌دانسته است. ثبوت معتقد است: که هرچند مرحوم آخوند، خود در کارهای سیاسی فعالیت داشته، یا احکام سیاسی صادر کرده، اما صراحتاً بیان داشته که وجود عالمان در راس حکومت ضررهایی را برای جایگاه عالمان و حتی دین در پی خواهد داشت. وی در آن گزارش مفصل، که از مرحوم آقا بزرگ تهرانی نقل می‌کند، استدلال‌های مرحوم آخوند را مطرح می‌کند که چرا نباید علما یا فقیهان در راس حکومت باشند و یا اینکه اصلاً حکومت مشروع در زمان عدم حضور معصوم قابل اجرا نیست.

اما نمی‌توان به راحتی استدلال‌های اکبر ثبوت را پذیرفت، چراکه اثر و آرایش با نقدها و سوالات جدی مواجه است، نقدها و

سوالاتی که خبرنگار دین و اندیشه ایسنا آنها را با خود ثبوت مطرح کرد تا پاسخ وی را در این زمینه بشنود.

در مصاحبه خبرنگار ایسنا با اکبر ثبوت می‌خوانید:

**** آقای ثبوت جریان تهیه آن گزارش خود را برای ما شرح دهید؟**

شیخ آقا بزرگ تهرانی از علمای بزرگ نجف بود که در 1348 ش از دنیا رفت. من به لحاظ خاندانی انواع و اقسام نسبت‌ها را با ایشان دارم. ایشان از یک طرف عموی مادر بزرگ من هستند، از یک طرف فرزند ایشان شوهرخاله پدر بنده هستند و نسبت‌های دیگر. گذشته از این‌ها، ایشان نسبت به هرکس که اهل علم بود، به هر حال حاضر بود همه گونه همراهی و کمک علمی را انجام دهد. در هر حال من هم در خلال 3-4 سال آخر عمر شیخ آقابزرگ به نجف رفتم و بارها با ایشان گفت‌وگو کردم. با این عنوان که به دنبال پاسخ برای مسئله خودم بودم و از این جهت سراغ آدم‌های مختلف رفتم و از هر کدام جوابی گرفتم. از جمله به سراغ ایشان رفتم و مسئله خودم را مطرح کردم و ایشان جواب خود را داد. مسئله‌ی من این بود که ما می‌دانیم علما و مراجع در استقرار نظام مشروطه بالاترین نقش را داشتند، خب علما و مراجعی که توانستند با استفاده از قدرت روحانی آن نظام استبدادی را تبدیل به نظام مشروطه کنند، چرا نیامدند به جای آن کار حکومت اسلامی تاسیس کنند؟ این سوال بود که از آدم‌های مختلف پرسیدم. هر کدام پاسخ‌های خود را دادند. اما با توجه به اینکه ارتباط مرحوم شیخ آقابزرگ با آخوند خراسانی بسیار گسترده‌تر از ارتباط دیگری بود که از آن‌ها این سوال را پرسیده بودم، طبیعی بود که به او بیشتر پیله کنم. گذشته از این مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی، شناخت دقیق‌تری از مرحوم آخوند داشت؛ چون خودش شاگرد 10 الی 12 ساله‌ی مرحوم آخوند بود و ابعاد مختلف تفکر فقهی، سیاسی و ... او را خوب می‌شناخت.

بارها پیله کردم تا بالاخره پاسخ این سوال را گرفتم. در آن موقع نیمچه دانشجو، نیمچه طلبه 23 ساله بودم که بالاخره ایشان را وادار کردم که به سوالات متعدد چه در ارتباط با تفکرات سیاسی آخوند، چه درباره آراء فقهی و کلامی و ... پاسخ دهند. البته ایشان مطلبی را هم به من گفتند و هم در شرح حال‌هایی که خودشان نوشته‌اند، تصریح کرده‌اند، این که می‌گویند: من همه آنچه را که از مرحوم آخوند می‌شنیدم، می‌نوشتم اما بیشتر آن نوشته‌ها در خلال نقل و انتقالات از بین می‌رفت و فقط مقداری از آن باقی ماند.

**** پاسخ مرحوم آقا بزرگ چه بود، همان گزارش که شما در اوایل دهه 80 برای نخستین بار چاپ کردید؟**

- آن گزارشی که در مورد گفت‌وگوی مرحوم آخوند با میرزای نائینی است، بخشی از پاسخ است. گزارش تفصیلی دیگر که شرایط حکومت اسلامی چه هست؟ بخشی دیگر از پاسخ ایشان است و خیلی از مباحث دیگر... اما خب حالا هیچ کدام از آن بخش‌های دیگر قابل خدشه نبود و همه چسبیده‌اند درباره گفت‌وگوی نائینی و آخوند. اصلا بروید سراغ خود نوشته‌های مرحوم آخوند ببینید چه می‌گوید، جواب آن را بدهید.

**** یک ایراد جدی که بر شما گرفته‌اند، این است که چرا این گزارش شما در کتاب‌های تاریخ مشروطیت دیده نمی‌شود و یا چرا خود مرحوم آقا بزرگ تهرانی آن را ثبت نکرده است، چه پاسخی دارید؟**

عرض کنم که قسمت اول سوال شما که به تاریخ مشروطه برمی‌گردد، ببینید تاریخ مشروطه را چه کسانی نوشته‌اند؟ بهترین تاریخ مشروطه را که «کسروی» نوشته است، یا تاریخ مشروطه دیگر را «ملک‌زاده» نوشته، یک تاریخ مشروطه هم که «حیات یحیی» از دولت‌آبادی است. این‌ها هیچ کدام در حوزه نجف حضور نداشتند، از دور چیزهایی می‌شنیدند و اگر بیانی، اعلامیه، نامه یا تلگرافی هم چاپ می‌شد در کتاب‌شان می‌آوردند. ولی نه کسروی محضر آخوند را درک کرده است و نه دولت‌آبادی، البته دولت‌آبادی شاگرد آخوند بوده، اما در جریان مشروطیت در استانبول بود و از آن جا بعضی وقت‌ها با آخوند مکاتبه می‌کرده است، یا ملک‌زاده آن موقع بچه‌ای 10-12 ساله بوده است. برای این که چرا آقابزرگ نوشته، من پاسخ را گفتم که آن چه ایشان از آخوند می‌شنیده‌اند، همه را نوشته‌اند اما متأسفانه مقدار زیادی از بین رفته است که حرف خود مرحوم آقابزرگ تهرانی است. جدای از این ممکن است که حالا هر حرفی را هم نوشته باشند.

**** یک ایراد دیگر هم می‌توان از شما گرفت، در گزارش ادبیاتی که به کار برده‌اید ادبیاتی امروزی است و برخی از محققان معتقدند آن چه که شما گزارش کرده‌اید، با آن چه ادبیات مرحوم آخوند بوده متفاوت است. من حتی در مقاله‌ای نمونه‌ای مقایسه‌ای را هم خواندم، مثلاً نوشته‌ای از خود مرحوم آخوند دیدم که با آنچه که شما مدعی هستید از او نقل کرده‌اید تفاوت بسیار داشت. نظرتان چیست؟**

من در همین کتاب، بخشی دارم با عنوان نمونه اصطلاحات و واژه‌هایی که در متن خطابه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های آخوند است. بالاخره انتساب این بیانیه‌ها به آخوند قابل تردید نیست. حالا شما این بخش را نگاه کنید و (مثلاً) ببینید، آخوند صحبت از «حکومت شورویه» می‌کند، حکومت شورویه را وقتی من می‌خواهم بگویم، می‌گویم «حکومت شورایی»؛ این یک تعبیر جدید است یا (مثلاً) آخوند در اعلانیه‌هایش درباره «آزادی» صحبت کرده است. «آزادی» اصلاً معنایی بین جماعت فقیه نداشت هنوز هم که هنوز است، فقیهان ما از کلمه «آزادی» خوش‌شان نمی‌آید، اما به هر حال در اعلانیه‌هایی که صدورش از آخوند مسلم است، این تعبیر بارها به کار رفته است. یا مثلاً «وطن‌پرستی» که تعبیر جدیدی است، اما در بیانیه‌هایی که آخوند نوشته، آمده است و یا در جاهای دیگر. به هر حال من در آن مقدمه کتاب نوشته‌ام که مطالب، عین همان مطالبی است که نوشته‌ام، اما منتها در انشاء عبارت و فصل‌بندی خودم را آزاد گذاشته‌ام و این را هم انکار نکرده‌ام که مسلماً انشاء، انشای آخوند نیست اما می‌توانم بگویم که مطالب عین مطالب آخوند است. مثل این می‌ماند که یک نفر «گلستان سعدی» را به نثر امروز بنویسد. گذشته از این تمام آن چه که من از قول آخوند نقل کرده‌ام می‌بینید که هر جمله و قطعه‌اش بارها و بارها مستند به منابع اولیه اسلامی است و در حقیقت چیز تعجب‌آوری نیست. آن‌ها هم که گفته‌اند ادله، ادله جدید است، باید عرض کنم که اگر کسی

اعلانیه‌ها و بیانیه‌های صادره از آخوند را بخواند، می‌بینید که از لحاظ مطالب، از آن‌چه گفتم جلوتر است. من مطلقاً در مطالب دست نبرده‌ام.

**** بحث دیگری هم مطرح شده است، این‌که نوع استدلال‌هایی که شما نقل می‌کنید، حرف‌هایی است که در شأن و یا جایگاه مرحوم آخوند نیست، یعنی این‌که می‌گویند استدلال در گزارش شما، در سطح پایین است و از شخصیتی مثل آخوند خراسانی بعید بوده که چنین حرف‌هایی را زده باشد. مثلاً شما به نقل از آخوند می‌گویید که وی معتقد بوده: « به هر حال عاقلانه نیست که ما به نام تشکیل حکومت دینی و سپردن حاکمیت به دست رجال دین، موجب شویم که دشمنانی بسیار کینه توزتر از دشمنان کنونی ما به قدرت برسند و برای ما و هم‌کیشان و هم‌مذهبان ما، خصوصاً آن‌ها که در قلمرو حکومت ما نیستند، شرایطی بدتر از شرایط کنونی فراهم آید در هر قدمی که بر می‌داریم، باید همه جوانب را ملاحظه کنیم».**

از شما می‌پرسم آیا این‌که این طرز استدلال‌ها به آخوند می‌خورد یا نمی‌خورد درست است یا خیر؟ آیا این حرف درست است یا خیر؟ اگر درست است، بنابراین انتساب یک حرف درست به آخوند چه مانعی دارد، اگر هم نادرست است، خوب خیلی‌ها در عالم سیاست ممکن است، حرفی زده باشند که درست نباشد. ببینید من در این کتاب حداقل 600 صفحه از قول آخوند مطلب نقل کرده‌ام، حال مابین این همه بگردند یک تکه را پیدا کنند و بگویند به آخوند نمی‌خورد؛ فکر می‌کنید با عقل و انصاف جور درمی‌آید. در این مورد خاص هم به هر حال منطق آخوند این است. ببینید ما در دوره صفویه حکومت مبتنی بر تشیع تشکیل دادیم، ولی نتیجه تشکیل حکومت مثل تشیع را در خارج ببینید، قتل‌عام‌هایی که از تشیع صورت گرفت. فقط یک فقره حدود 40 هزار قتل عام شدند توسط سلطان سلیم. بعد بی‌تدبیرهایی که از طرف عالمان خودمان صورت گرفت که آن بی‌تدبیری‌ها باعث ایجاد تنش هرچه بیشتر مابین شیعیان و سنیان شد. درحقیقت موجب شد در دورانی که غرب به سرعت سمت پیشرفت می‌رفت، ما مشغول شدیم که به سر و کله همدیگر بزنیم. بله در دوره صفوی حکومت شیعی تشکیل شد، اما باید ببینیم این حکومت چقدر شیعی و منطبق بر شریعت بوده، چه تبعاتی داشته است. این منطق آخوند بوده و حرف غیرمعقولی است که بگوییم به آخوند نمی‌خورد.

**** آقای ثبوت شما خودتان گفته‌اید که چندین بار این نوشته‌ها را بر اثر اتفاقاتی از دست داده‌اید و بعدها دوباره آن را به خاطر آورده‌اید و به چاپ رسانده‌اید. این از بین رفتن اصل نوشته‌های خودتان و این‌که شما دوباره سعی کرده‌اید آن‌ها را به خاطر بیاورید و بعد چاپ کنید، اشکالی جدی است که بر شما گرفته‌اند؛ چرا که بر هر حال ذهن آدمی از خطا مصون نیست، آن هم با گذشته این همه سال.**

من همه آن‌چه که از آقابزرگ تهرانی می‌شنیدم را می‌نوشتم. متأسفانه روزگار ما روزگاری بود که بارها در معرض تهاجم ساواک قرار گرفت و بخش زیادی از نوشته‌های ما به غارت رفت و البته بخش زیادی هنوز هست که شاید نزدیک 100 هزار صفحه باشند. من در مقدمه همان کتاب نوشتم که از موقعی که مطالب را گرفتم، یک بار در همان موقع روی کاغذ آوردم و بعد از آن‌که به یغما رفت، باز سعی کردم در مقاطع مختلف چیزهایی را به یاد بیاورم و ثبت کنم و باز نوشته‌ام که در سال 57-58 حزب جمهوری اسلامی مجله‌ای چاپ می‌کرد به نام «عروةالوثقی» و از من خواستند که مقاله بدهم و من شروع کردم که نهضت مشروطه را تحلیل کنم و سعی کردم مطالبی را در آن گزارش‌ها بیاورم. اما متأسفانه برخوردهای نامناسبی صورت گرفت. به هر حال پیوند من با این حرف‌ها هیچ‌گاه قطع نشد. همیشه این حرف‌ها در ذهنم بود و مدام از این نوشته به آن نوشته پاک‌نویس می‌کردم و خیلی به فکر نشر آن نبودم تا بعدها. مطلب دیگر که باید در نظر بگیریم این است که به هرحال کسانی این مطالب را تایید کرده‌اند که هم نفس آقابزرگ را خیلی خوب می‌شناسند، هم آخوند را.

آقای محمدرضا حکیمی کسی است که از آقابزرگ اجازه روایت دارد و آدم موجهی است و کسی نیست که اسیر احساسات شود و فریب حرف‌های بی‌خود را بخورد. ایشان به صورت قاطع بارها و بارها، چه در آثاری که منتشر کرده و چه در نامه‌ای که به من نوشته، گفت‌وگوهای آخوند و نائینی (در گزارش من) را تایید کرده است. یا آیت‌الله کفایی که نواده‌ی آخوند است و از هرکسی به ایشان نزدیک‌تر، ایشان هم نامه‌ای مفصل نوشته و قویاً تایید کرده که تمام آنچه که من از قول آخوند گفته‌ام، با آن اطلاعات خانوادگی که از طریق پدرش به او رسیده کاملاً تطبیق می‌کند. این نامه هم هست و اگر خواستید آن‌چه که آقای حکیمی نوشته یا آیت‌الله کفایی و دیگر علما نوشته‌اند، خدمت‌تان خواهم آورد. به هرحال اگر کسی بخواهد درباره انتساب این حرف‌ها به آقابزرگ حرفی بزند، اول آقای حکیمی است و اگر کسی بخواهد در مورد انتساب آن به آخوند حرفی بزند، اول آقای کفایی است. این‌ها بچه نیستند که بتوان فریب‌شان داد. به هرحال آن‌چه به نظرشان حق بوده را گفته‌اند.

به گزارش ایسنا، این دیدگاه‌های اکبر ثبوت درباره گزارش خود و اندیشه‌های مرحوم آخوند بود. از طرفی عده‌ای این دیدگاه ثبوت و برخی دیگر را نمی‌پذیرند. آن‌ها با این استدلال که مرحوم آخوند نظریه «ولایت فقیه» را پذیرفته (در حاشیه بر کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری)، و از طرفی خود به عنوان یک مرجع در امور سیاسی دخالت کرده است، یا این‌که تاییدی بر کتاب «تنبیه الامه» مرحوم نائینی، که در دفاع از مشروطه و حاکمیت دینی نوشته شد، داشته است، تاکید دارند که نمی‌توان پذیرفت که مرحوم آخوند با حاکمیت دینی و حکومت فقها مخالف بوده است.

مخاطبان محترم این گزارش می‌توانند در دومقاله با عنوان‌های «[نقد نامه منسوب به آخوند خراسانی در ردّ ولایت فقیه](#)» نوشته حسین ناصری مقدم، چاپ شده در فصلنامه حوزه، ش 162 و همچنین «[گزارش ثبوت درباره انتقادات آخوند نسبت به حاکمیت سیاسی فقیهان، جعل گزارش](#)» از علیرضا جوادنژاد در ماهنامه زمانه، بهمن و اسفند 90 دیدگاه‌های مخالف با اکبر ثبوت را مطالعه کنند. همچنین خبرنگار ایسنا پذیرای شنیدن نظرات محققان مختلف در این زمینه و انعکاس خبری آن خواهد بود.

* در این گزارش از مقالات زیر استفاده شده است:
مدخل «آخوند خراسانی» در دانشنامه جهان اسلام و دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
گزارش و مصاحبه: فرهاد حاجری، خبرنگار ایسنا